

به نقل از: پیام فدایی، ارگان چریکهای فدایی خلق ایران شماره ۲۸۵، فروردین ماه ۱۴۰۲

کنفرانس "هالیفاکس"، مدافع مردم ایران یا یک نهاد امپریالیستی! همزمان با رشد مبارزات انقلابی مردم ایران پس از به قتل رسیدن ژینا (مهسا) امینی توسط عمال رژیم در ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ شاهد تکاپوی بیش از پیش قدرت های امپریالیستی برای ایجاد آلترناتیوهای ضدانقلابی به منظور به شکست کشاندن مبارزات انقلابی مردم ایران بوده ایم. قدرت های امپریالیستی بسیاری از تشکیلات نظامی-سیاسی-تئوریک و فرهنگی خود را در این کارزار آلترناتیو سازی به کار گرفته اند. یکی از این تشکیلات امپریالیستی «کنفرانس امنیتی بین المللی هالیفاکس» است. (۱)

کنفرانس هالیفاکس بخشی از سیستم گسترده اتاق های فکر و بزرگترین گردهمایی سران نظامی و سیاسی کشورهای امپریالیستی در آمریکای شمالی می باشد. هدف اصلی این کنفرانس تقویت همکاری های استراتژیک (از جمله همکاری های نظامی) میان قدرت های امپریالیستی آمریکای شمالی و اروپا برای حفظ منافع مشترک آنان در نقاط بحرانی جهان است و به پایگاهی مهم برای چاره جویی های استراتژیک امپریالیست های آمریکای شمالی و ناتو تبدیل شده است. اگرچه این مجمع در مقایسه با «جی-۲۰» (G20) یا برخی دیگر از کنفرانس های جهانی امپریالیستی مورد توجه گسترده ای قرار نگرفته، اما نقش این مجمع در تعیین خطوط سیاست خارجی و تصمیمات نظامی-سیاسی امپریالیست ها و حفظ منافع آنان (از طریق راه انداختن جنگ و کودتا و ... در کشورهای مختلف جهان) بسیار مهم بوده است. این مجمع بخصوص به ارتقای نقش امپریالیسم کانادا در صحنه جهانی بسیار کمک کرده است.

امپریالیست ها با سوءاستفاده از این واقعیت که جنبش های آزادیخواهانه در کشورهای مختلف (از جمله ایران) فاقد رهبری مارکسیستی و تشکل هستند، کوشش می کنند تا بر موج نارضایتی های مشروع و مبارزات انقلابی توده های مردم سوار شده و آلترناتیوهای خود (افراد و گروه های پروامپریالیست) را از طریق ارگانهایی همچون کنفرانس هالیفاکس و داووس و ... تبلیغ می کنند و آنها را برای ایفای نقش «آلترناتیو امپریالیستی» تعلیم می دهند. در این چهارچوب است که هر سال بر اساس موضوع مورد بحث در کنفرانس هالیفاکس از افراد و گروه های پروامپریالیست کشورهای مختلف به عنوان مهمان و سخنران دعوت شده است. به عنوان مثال در زمانی که سیاست خصمانه آمریکا علیه چین در کنفرانس ترویج شد؛ از افراد و گروه هایی از مخالفین دولت چین (فقط آن دسته از معترضین چین که طرفدار آمریکا بودند) دعوت شده بود که در کنفرانس شرکت کنند و از سرکوب دانشجویان معترض یا از ستم ملیتی دولت چین علیه اقلیت های ملیتی و مذهبی صحبت کنند. البته نفس برحق بودن اعتراضات و جنبش های کارگری و دانشجویی و ... در کشورهای مختلف را به خاطر دخالت ها و آلترناتیوسازی های امپریالیستی نمی توان زیر سوال برد.

این واقعیات را میتوان با نگاهی به چهاردهمین مجمع سالانه کنفرانس هالیفاکس که از روز ۱۸ تا ۲۰ نوامبر ۲۰۲۲ برگزار شد به شکل واضح تری مشاهده کرد. (۲) از آنجا که ایران و جنگ در اوکراین از موارد تمرکز این کنفرانس بودند؛ برخی از مهمانان ویژه آن را نیروهای ضدانقلاب و پروامپریالیست مانند حامد اسماعیلیون، مسیح علینژاد، کاوه شهروز، نازنین افشین جم، علی احساسی و هیئتی از محافل دست راستی و فاشیست های اوکراین (از جمله «کنگره جهانی اوکراین»-UWC) تشکیل می دادند. در معرفی این افراد تنها کافی است که به چند نکته اکتفا شود. مسیح علینژاد به مثابه یک ضدانقلاب پروامپریالیست مشهور است. کاوه شهروز یک وکیل ایرانی-کانادایی و از فعالین دست راستی و پروامپریالیست در کانادا است. او در یک موسسه راست‌گرای امپریالیستی به نام «مکدونالد لوریه» نیز به عنوان کارشناس کار می‌کند. اخیرا به دلیل اختلافاتش با ایرانیان دیگری که مانند خود او فعالیت های سیاسی دست راستی پروامپریالیستی دارند، مجبور به کناره گیری از هیئت مدیره سازمان آمریکایی «مرکز اسناد حقوق بشر ایران» شد. نازنین افشین جم نیز همسر پیتر مک کی وزیر دفاع سابق کانادا می باشد و همراه با پدرش، افشین افشین جم در طرح های امپریالیستی دولت کانادا علیه انقلاب مردم

فعال است. علی احساسی نماینده ایرانی حزب لیبرال در شهر تورنتو، نوه عبدالحسین تیمورتاش سیاستمدار دربار قاجار و نماینده مجلس و وزیر دربار پهلوی است. پدرش نیز از دیپلمات های دوران پهلوی بوده است. علی احساسی متولد ژنو بوده و بیشتر دوران کودکی و نوجوانی اش را در خارج از ایران سپری کرده است. حامد اسماعیلیون نیز یک فرد اصلاح طلب و ضدانقلاب پروامپریالیست و فاقد هرگونه سابقه مبارزاتی مردمی بوده و مانند دیگر ایرانیان شرکت کننده در کنفرانس هالیفاکس به دلیل پروامپریالیست بودنش مورد حمایت دولت های امپریالیستی قرار گرفته و در طرح های آلترناتیوسازی امپریالیستی به او نیز نقش هایی داده شده است. به وضوح میتوان دید که این افراد و بسیاری دیگر از پروامپریالیست ها و ضدانقلابیون در تلاشند که با حمایت دولت های امپریالیستی به عنوان "سخنگویان انقلاب"، "رهبران انقلاب"، "هماهنگ کنندگان" و یا "متحد کنندگان" در درون جنبش انقلابی جاسازی شوند (یا در حال تلاش برای جاسازی شدن هستند) تا بتوانند در اجرای طرح های آلترناتیوسازی و ضدانقلابی برای شکست دادن انقلاب دموکراتیک و ضدامپریالیستی توده های مردم ایران به امپریالیست ها خدمت کنند.

تصمیم گیران و شرکت کنندگان اصلی چهاردهمین کنفرانس هالیفاکس را مقامات ارشد نظامی و دولتی آمریکا و کانادا از جمله وزیر دفاع آمریکا (لوید آستین که زمانی یکی از اعضای هیئت مدیره Raytheon Technologies (یکی از بزرگترین سازندگان تسلیحات در جهان) بود و صاحبان صنایع مختلف جهانی (مانند مدیرعامل بوئینگ، یکی دیگر از بزرگترین تولیدکنندگان تسلیحات نظامی در جهان) تشکیل می دادند. برخی دیگر از شرکت کنندگان مقامات و استراتژیست ها و مهره های مهم سازمان های به اصطلاح "حقوق بشر"ی از سراسر جهان بودند. نقش این به اصطلاح "فعالان مدنی" و سازمان های "حقوق بشر" در چنین کنفرانس های امپریالیستی هیچ ربطی به منافع و حقوق و خواسته های واقعی توده های مردم ندارد. آنها درواقع به پادوگری امپریالیست ها در پیاده کردن طرح های ضد مردمی برای حفظ منافع طبقات حاکم و به انحراف کشاندن و شکست دادن مبارزات انقلابی مردم در کشورهایی مثل ایران مشغولند. مردم آگاه ایران به یاد دارند که چگونه دار و دسته خمینی به مثابه آلترناتیو امپریالیست ها برای به شکست کشاندن انقلاب ۵۷ بر مسند قدرت نشانده شدند. از آن زمان تاکنون نیز هر بار که توده های مردم آگاه برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی به پا خاسته اند، امپریالیست ها به کمک رژیم شتافتند. این رژیم تاکنون با کمک های اقتصادی و نظامی و سیاسی امپریالیست ها و سرکوب وحشیانه مخالفینش در قدرت باقی مانده است. این بار نیز مثل همیشه امپریالیسم کانادا پشت چهره ساختگی "حافظ صلح و حقوق بشر" پنهان گشته و تلاش می کند که طرح آلترناتیوسازی جدید برای ایران پس از سرنگونی جمهوری اسلامی را کانالیزه و رهبری کند.

امروز اکثر مردم تحت ستم در جهان شناخت آگاهانه ای از ماهیت جنایتکارانه امپریالیست ها به سرکردگی آمریکا دارند و فریب شعارهای "حفظ دموکراسی" که برای توجیه دخالت های نظامی خود به کار میبرد را نمی خورند. اما هنوز برخی افراد نسبت به امپریالیسم کانادا دچار توهم هستند و تصور می کنند که دولت و ارتش کانادا آنطور که تبلیغ شده "مروج صلح و دموکراسی" در جهان هستند. این یکی از دلایلی است که آمریکا بسیاری از اهداف امپریالیستی خود را از طریق دولت کانادا پیش میرد. نقش کنونی کانادا و کنفرانس "هالیفاکس" در طرح امپریالیستی آلترناتیوسازی و کنترل اوضاع ایران نیز همسو با همین اهداف است.

نگاهی به برخی از سیاست های خارجی و عملکردهای دولت و ارتش کانادا می تواند به شناخت بیشتر ماهیت امپریالیستی کانادا در پشت این نقاب فریبکارانه و تحمیق کننده کمک کند. در اینجا از شرح نقش جنایتکارانه دیرینه کانادا در آفریقا و یا ارتش سفید کانادا که به جنگ علیه مردم انقلابی شوروی سوسیالیستی رفت، صرف نظر شده و به فعالیت های امپریالیستی کانادا در دهه های اخیر اشاره کوتاهی می شود. به عنوان مثال دولت کانادا در چند دهه اخیر نیروهای مسلح خود را بیش از پیش در عملیات نظامی تهاجمی آمریکا در سراسر جهان به کار گرفته است. در این رابطه میتوان به نقش نظامی کانادا در جنگ های مختلف از سوریه و عراق گرفته تا عملیات نظامی ناتو علیه روسیه در اروپای شرقی و

کشورهای بالتیک و گسترش عملیات دریایی در آسیا و اقیانوسیه با هدف محاصره و منزوی کردن چین اشاره کرد. امپریالیسم کانادا در برخی موارد به نقش صرفاً پادویی آمریکا قناعت نکرده و با پیشقراولی در دخالت های سیاسی و نظامی امپریالیستی در کشورهایمانند هائیتی تلاش کرده که نقش خود در صحنه رقابت های جهانی را مستحکم تر کند. اخیراً نیز مقامات نظامی کانادا در کنفرانس موسسه انجمن دفاع کانادا (CDAI) که تحت عنوان "چگونه کانادا را در دنیای بازی های قدرت بزرگ قرار دهیم" برگزار شد، خواهان افزایش ده ها میلیارد دلار به بودجه نظامی کانادا و آماده شدن برای جنگ های آینده و گسترش مشارکت نظامی-استراتژیک جهانی با امپریالیسم آمریکا شدند. اینگونه تصمیمات مقامات دولتی و نظامی کانادا نشان دهنده وجود برنامه های گسترده تسلیحاتی و ایجاد شرایط و امکانات نظامی و سیاسی برای ادامه جنگ های جاری و به راه انداختن جنگ های جدید توسط کانادا است؛ جنگ های جنون آمیز امپریالیستی که با بهانه دفاع از حقوق بشر و در واقع علیه طبقه کارگر و خلق های تحت ستم دنیا شکل گرفته و می گیرند.

دولت کانادا همیشه تلاش کرده که اهداف واقعی جنگ های امپریالیستی خود را پشت شعار "تعهد کانادا به حاکمیت قانون" پنهان کند. اما منظور طبقه حاکم بر کانادا از "حاکمیت قانون" در واقع حفظ نظم امپریالیستی جهان به سرکردگی آمریکا است که بعد از جنگ جهانی دوم برقرار شده و طبقه حاکم بر کانادا نیز همیشه با نیروی نظامی خود از آن حمایت کرده است. طبقه حاکم بر کانادا با تجاوز به آنچه که از حقوق اجتماعی کارگران و زحمتکشان این کشور باقی مانده و با اختصاص بخش عظیمی از منابع جامعه به تسلیح مجدد نظامی منافع غارتگرانه خود را در داخل و خارج از کانادا پیش برده است.

با نگاهی به آنچه که در هائیتی می گذرد، میتوان پیشبینی کرد که دولت کانادا چه خوابی برای ایران دیده و به عنوان مثال از تقویت افراد و نیروهایی که در کنفرانس هالیفاکس و یا در تظاهرات های گوناگون در تورنتو در جبهه نحیفشان باد کرده، چگونه رفتاری با طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما خواهد داشت. (۲) دولت کانادا در چهارچوب ادامه نفوذ خود در هائیتی، منابع مالی و نظامی قابل توجهی را به رژیم دیکتاتوری هائیتی اختصاص داده و از زمان کودتای ۲۰۰۴ تاکنون صدها میلیون دلار برای کمک به پلیس سرکوبگر هائیتی (با کمک سازمان ملل) هزینه کرده است.

موج اعتراضات کارگری و جنبش ضدامپریالیستی توده های مردم هائیتی که از مدت ها پیش در جریان است، در سپتامبر ۲۰۲۲ اوج دوباره ای گرفت و زندگی را در بیشتر مناطق آن کشور فلج کرد. توده های مردم هائیتی نیز مانند ایران در ابتدا به اعتراضات مسالمت آمیز دست می زدند که توسط پلیس جنایتکار شدیداً سرکوب می شدند. پلیس هائیتی نیز مانند سرکوبگران در ایران، از هیچ جنایتی علیه کارگران و زحمتکشان معترض در هائیتی کوتاهی نکرده و به دستگیری و شکنجه و کشتار آنها پرداخته اند. دولت کانادا که اشک تمساح برای مردم تحت ستم در ایران می ریزد، یک انتقاد خشک و خالی هم در رابطه با کشتار کارگران معترض هائیتی توسط پلیس نکرده است. برعکس پلیس هائیتی شدیداً از نظر مالی و تسلیحاتی توسط دولت کانادا حمایت می شود. در نتیجه میتوان گفت که دولت و ارتش کانادا (که برای مردم ایران اشک تمساح می ریزد) در سرکوب جنبش انقلابی مردم هائیتی به آشکاری دست دارند. مردم آگاه هائیتی با به کار بردن شیوه های اعتراضی متنوعی نشان داده اند که به نقش امپریالیسم کانادا به مثابه سرکرده ی دشمنانشان واقفند. آنها مرتباً دولت کانادا را در تظاهرات قهرآمیز خود (با پرتاب سنگ و کوکتل مولوتف به سفارت کانادا در پایتخت هائیتی) هدف خشم انقلابی خود قرار داده اند و یا در تظاهراتشان غالباً با حمل تابوت های پوشیده شده با پرچم های آمریکا، فرانسه و کانادا و عکس «آریل هنری» Ariel Henry (نخست وزیر هائیتی که توسط دولت های امپریالیستی به این مقام منصوب شده) و با سر دادن شعارهایی علیه او و اربابان کانادائی اش، خواهان برکناری او شده اند. (۴)

در شرایطی که فرصت طلبان ضدانقلاب در خارج از کشور به همکاری با امپریالیسم کانادا (و دیگر امپریالیست های غربی) برای سوار شدن بر امواج مبارزات مردم انقلابی ایران و تلاش مذبوحانه برای منحرف کردن و به شکست کشاندن آن پرداخته اند، میلیون ها نفر از مردم آگاه هائیتی به وضوح کانادا را به عنوان یک نیروی امپریالیستی و دشمن اصلی خود می شناسند.

حال پروامپریالیست های ایرانی (دار و دسته حامد اسماعیلیون و ...) همین رژیم امپریالیستی کانادا را (که در اقصی نقاط جهان مانند هائیتی به جنایت علیه فرودستان جامعه دست زده) ناجی مردم ایران قلمداد کرده و پشت نقاب "آزادی خواهی" در طرح های آترناتیوسازی امپریالیستی با آن همکاری می کنند.

عملکرد امپریالیسم کانادا در هائیتی نشان داده که برای دست و پا کردن جایگاه برتری در صحنه رقابت های امپریالیستی هرگز تفنگ خود را زمین نخواهد گذاشت. در این رابطه، کنفرانس هالیفاکس و ایرانی های پروامپریالیست شرکت کننده در آن نقش مهمی دارند. اما ماهیت امپریالیسم کانادا (و حتی نیروهای پروامپریالیستی مانند اسماعیلیون و شرکا که پشت نقاب آزادیخواهی و یا مخالفت با جمهوری اسلامی پنهان شده و خود را به دم امپریالیست های کوچک و بزرگ بسته اند) برای مردم آگاه و انقلابی ایران هر چه بیشتر آشکار خواهد شد و این آگاهی ها را در جهت به پیروزی رساندن انقلاب دموکراتیک مدرن و ضدامپریالیستی به کار خواهند گرفت.

### **سهیلا**

#### **زیرنویس ها:**

- ۱- کنفرانس امنیتی هالیفاکس (Halifax International Security Forum)
- ۲- چهاردهمین مجمع سالانه کنفرانس هالیفاکس در تاریخ ۲۸ تا ۳۰ آبان ۱۴۰۱ برگزار شد، یعنی حدود دو ماه پس از شروع خیزش انقلابی توده های مردم در ایران.
- ۳- هدف اصلی برگزارکنندگان تظاهرات بزرگ تورنتو و آلمان که با حمایت و تبلیغات دولت های غربی و مشخصا کانادا برگزار شدند، درواقع فریب دادن ایرانیان خارج از کشور به شرکت در تظاهراتی بود که ذاتا حرکتی برای تأیید دخالت های امپریالیستی در جنبش انقلابی توده های مردم ایران محسوب می شد.
- ۴- مجمعی متشکل از نمایندگان اتحادیه اروپا و سازمان ملل و دولت های آمریکا، فرانسه، کانادا، برزیل، اسپانیا و آلمان پس از ترور شدن نخست وزیر قبلی-جوونل موئیس Jovenel Moïse- «آریل هنری» را به جای او نشانند.